

دکتر حسین آلیاری *

نظامیه در عهد نظام الملک

در آن روزگاران که خلفای فاطمی مصر در سایه تبلیغات استادانسه نظریه پردازهای بزرگ خود، شام و بخشی از عربستان را تحت سلطه خود درآورده بودند و حتی در مکه و مدینه اذان به طریق شیعه داده می شد، جنبش سیاسی نیرومندی که از ماوراءالنهر به خراسان بزرگ رخنه کرده بود به سبب آمدن ترکمن های سلجوق (غزهای یبغو) باتکیه به سیاستمداران ایرانی پدید آمد.

سلجوقیان بزرگ تحت رهبری سیاسی ایرانیان، چون عمیدالملک کندی و جانشین او خواجه نظام الملک به اندیشه توسعه طلبی فاطمیان پایان بخشیدند.

گرچه در پایان قرن چهارم هجری قمری انقلابی عظیم در زمینه دانش و آموزش عالی در جهان اسلام پدید آمد، اما آگاهیهای مابا توجه به هسته های تاریخی نشان می دهد که آزمایشهای موفقیت آمیزی در این زمینه حداقل در عصر عبدالله بن طاهر (که سخت مورد توجه یعقوبی مورخ نامدار شیعه و استاد بارتولد قرار گرفته) با توجه به تعلیم کودکان

* عضویات علمی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز

قشرهای پایین اجتماع صورت گرفته است و بی‌گفتگو باید تأسیس مدارس برای تعلیمات عمومی را از آن حزب مترقی شیعیان به حساب آورد. این فرقه با حزب شعوبیه مشترکاً "در ردیف طرفداران ملت‌هایی بودند که با تلاش فراگیر برای نجات سیاسی و استقلال مردم، پیکار می‌کردند و حتی برای پیروزی کامل خود بر حکومت‌های اتوکراسی و استبدادی عباسی تبلیغ خود را بر پایه فراگرفتن علوم عقلی و فلسفی بنیان می‌نهادند و اینان بودند که با صوری تمام علم کلام را پدید آوردند و آن را به ذروه خود رسانیدند.

به عقیده بسیاری از مورخان و تذکره‌نویسان اسلامی چگونگی ابن خلکان و شمس الدین ذهبی و جلال الدین سیوطی، خواجه نظام الملک یکی از سیمای درخشان تاریخ اسلام از بنیان گذاران مدارس عالی بشمار می‌آید. بانگ‌رشی کوتاه به علل بوجود آمدن این دانشگاهها، عیان می‌گردد که پایه گذاری این مراکز علمی فرهنگی یقیناً "بسمای نگرانیهای خواجه از تبلیغات دینی و علمی اسماعیلیان داشته مرتبط بوده است پس زمانی که دانشگاه الازهر توفیق پیروزی تبلیغات فاطمیان را به دنیای اسلام اعلام می‌داشت، خواجه تأسیس مدارس عالی نظامیه را به عنوان بهترین روش در برابر تبلیغات دامنه دار فاطمیان اتخاذ نمود. سبکی^۱، نظریات منابع پیش از خود بخصوص "استادذهبی"

را مورد تردید قرار داده و می‌نویسد که اولین مدرسه از طرف نظام الملک دایر نشده است بلکه پیشتر در نیشابور مدرسه‌ای بنام بیهقیه (برای بزرگداشت نام فقیه شافعی ابوبکر بیهقی) موجود بود. و نیز از طرف نصر بن سبکتکین، برادر سلطان محمود غزنوی، مدرسه‌ای در نیشابور معروف به سعیدیه ساخته شد. مدارس که در بغداد و نیشابور از طرف ابوسعید اسماعیل استرآبادی و ابوالمنصور اسفراینی اداره می‌گردید

۱- سبکی، طبقات الشافعیه الکبری (چاپ مصر ۱۲۹۹ ق)، ج ۳،

مقدم بر مدارس نظامیه بوده است.^۱ به نوشته ابن خلکان، در نیشابور بنام ابن فورک اصفهانی (متوفی ۴۵۶ هجری قمری) مدرسه ای بنیاد گردیده بود.^۲

زمانی که مأمون خلیفه عباسی در خراسان حکومت می کرد، اقدام به تأسیس مدرسه ای نمود.^۳ پس در واقع خواجه اولین شخصیتی نیست که در بنیای اسلام به این مهم فرهنگی دست یازیده، بلکه پیش از وی مدارس بوجود آمده بودند. چنانچه وزیر دانشمندان ایرانی با اندیشه مدبرانه طرحی منسجم و گسترده برای این بنای فکری ریخته است، بنابراین مولفین و مورخین اسلامی او را منتهی کربانی این کار بحساب می آورند. سبکی اخبار دیگری می دهد مبنی بر اینکه، خواجه اول کسی بوده که فرمان داده تا طالبین علم و شاگردان مدارس نظامی بادیافت مستمری مجانی درس بخوانند. وی گوید، باز برای من روشن نیست که آیا این امر در مدارس پیش از نظامیه مورد عمل بوده یا نه و ظاهراً^۴ بنظر می رسد که این امر بی سابقه و ازغریب بوده است. آنچه مسلم است زادگاه نخستین مدارس اسلامی سرزمین خراسان و بخصوص شهر کهنسال نیشابور بوده است.

در سال ۴۵۸ هجری قمری بانظارت ابوسعید احمد بن محمد صوفی نماینده خواجه نظام الملک، ساختمان مدرسه باشکوه نظامیه بغداد در ساحل دجله نزدیک دروازه باب الازج و پیوسته به

۱- ابن خلکان (ج ۱، ص ۶) می نویسد: ابواسحق اسفراینی در ۴۱۸ درگذشته است و نیز به مرگ ابوبکر بیهقی در سال ۴۵۸ اشاره دارد (ج ۱، ص ۳۵).

۲- وفیات الاعیان، ج ۳، ص ۲۸۵.

۳- جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلامی، ج ۳، ص ۳۱۸.

۴- سبکی، طبقات الشافعیه الکبری، ج ۴، ص ۳۱۸.

مدرسه مرجان به پایان رسید.^۱

برای اینکه مدرسه عالی نظامیه درآمدی داشته باشد، به دست ——— خواجه نظام الملک بازاری ساختند و نیز خان ها و حمامهایی خریدند و وقف این مدرسه کردند. متولی این مدرسه ابوسعید احمد بن محمد صوفی شد و برای ریاست کتابخانه مشهور نظامیه، شیخ ابو زکریا خطیب تبریزی را از شهر تبریز آوردند.^۲

۱- هندو شاه نخجوانی (هندو شاه بن سنجربن عبدالله صاحبی نخجوانی)، تجارب السلف (تصحیح مرحوم عباس اقبال انتشارات طهوری، تهران ۱۳۴۴ ش)، ص ۲۷۵. مولف تجارب السلف در این مورد اطلاع بیشتری می دهد: پس از اتمام بنا به خواجه رسانیدند که ابوسعید در این کار خیانت کرده و بسیاری از اعتبارات مدرسه را اختلاس نموده است. ابوسعید چون از این خبر آگاه شد به بصره گریخت ولی طولی نکشید که پشیمان شد و به بغداد بازگشت و از آنجانب خواجه رفت و گفت: ای خداوند تو این مدرسه را الوجه الله تعالی بنا فرمودی هر که در آن خیانت کرده حسابش را با خدا گذار تا ثواب یابی و خائن و زورباز آن به قیامت برسد. خواجه گفت اندوه از مالی نیست که تو یاد دیگری خیانت کرده است بلکه اندوه من از زمانی است که فوت شده و تدارک آن ممکن نیست. من خواستم این مدرسه را بنا محکم باشم مانند بنای جامع منصور و بیمارستان عضدالدوله، چه شنیدم که ایشان برای یک آجر ژنبیلی گج بکار برده اند و به من گفتند که تو وجه عمارت را در آجر منقوش صرف کرده ای و از آن می ترسم که زود خراب شود.

۲- استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب (فرار از مدرسه، ص ۸۲) می نویسد: در واقع یک کتابدار نظامیه، نامش ابویوسف اسفراینی (متوفی ۴۹۸ هجری) خود ادیب پرمایه بی بشمار می آمد. کتابدار دیگر ابو زکریا خطیب تبریزی (متوفی ۵۵۲ هجری) بود که در ادب تألیفات بسیار داشت و از جمله بر دیوان متنبی و ابوتمام شرح نوشته بود.

بنظرمی رسد که در حدود شصت هزار دینار برای ساختن مدرسه عالی نظامیه بغداد خرج شده است. این دانشگاه یکی از آثار درخشان دوره سلجوقیان بزرگ بحساب می آید.

در منابع موثق به نه نظامیه در شهرهای بغداد، نیشابور، اصفهان، بلخ، بصره، مرو، شاهجان، آمل، هرات و موصل اشاره شده است.^۱ استاد عبدالرزاق کانپوری به مدرسه نظامیه خوزستان و طوس اشاراتی دارد.^۲ حقیقت این است که قریب به یقین تعداد مدارس نظامیه را در عدد نه تثبیت شده بحساب آوریم. در این مورد استدلال بنده بر اساس تبرکی است که ترکمان برای عدد نه قائل بوده اند و خواجه نظام الملک که اموال عظیمی (سالانه افزون بر شصدهزار دینار) را صرف تأسیس و نگهداری مدارس عالی نظامیه و دیگر مصارف خیریه می نموده، طبیعی است به این عدد خوش یمن که مورد دل بستگی سلطان جلال الدین ملک شاه و دیگر خاندان سلجوقی بوده آگاهی تمام داشته است.^۳

کار خواجه در ایجاد مدارس عالی نظامیه چنان رونق گرفت که رقیب

۱- سبکی، طبقات الشافعیه، ج ۳، ص ۱۳۶، تجارب السلف، ص ۲۶۹، دستورالوزراء، ص ۱۶۰.

۲- زندگی خواجه بزرگ حسن نظام الملک، ترجمه سید مصطفی طباطبائی، چاپ تهران ۱۳۵۰ ش، صص ۱۵۳ - ۱۳۳.

۳- هامرپورگشتال (تاریخ امپراطوری عثمانی، ترجمه میرزا زکی علی آبادی، چاپ تهران، ۱۳۶۷ ش، جلد اول، ص ۲۸۲) در مورد عدد نه اشاره جالبی به اختلاف امیرکبیر تیمور و سلطان ایلدرم بایزید دارد. اومی نویسد: ".... و هدایای او را (سلطان ایلدرم بایزید) که مشتمل بود بر ده اسب و ده مرغ شکاری پس فرستاد. این نیز یک نوع بی حرمتی بایزید بود که هدایا را به عدد ده فرستاده بود، با وجودی که می دانست در میان اتراک عدد نه معتبر است."

سر سخت و پرتلاش او، تاج الملک ابوالغنائیم مستوفی نیز در این مورد به رقابت برخاست. این تاج الملک مدرسه‌ای بنام تاجیه در بغداد ایجاد نمود که ابوبکر شاشی و ابوالفتوح غزالی، برادر امام محمد غزالی (متوفی ۵۰۵ هجری) در آن سمت استادی داشتند.^۱

خواجه در برابر فعالیت گسترده هفت‌امامی‌ها که با قاطعیت از طرف فاطمیان مصر پشتیبانی می‌شدند، دست به تأسیس مدارس نظامیه زد. بدین طریق با ایجاد سدهمتین و محکم در برابر رخنه و گسترش تبلیغات وسیع پیروان اسماعیلی و داعیان خلفای فاطمی توفیق این رایافت که اساس یک وحدت مذهبی را در دنیای بزرگ اسلامی پی ریزی نماید.

در دو مدرسه عالی نظامیه نیشابور و بغداد مدرسین بنام و عالمان شهیری چون امام الحرمین ابوالمعالی جوینی و ابن صبـاـغ^۲ و شیخ ابواسحق شیرازی و امام ابو حامد غزالی^۳ که از چهره‌های جاویدان

۱- ابن اثیر، ج ۱۰، ص ۲۳؛ المنتظم، ج ۹ ص ۳۸ و ۴۶.

۲- ابونصر عبدالسید بن محمد عبدالواحد ابن صباغ در سال ۴۰۰ هجری قمری در بغداد متولد گردید. از فقهای بزرگ شافعی است. فقه را در نزد ابو حامد الاسفراینی و ابوطیب الطبری یاد گرفت. در فضیلت و دانائی و کمال با شیخ ابوالسحق شیرازی مقایسه شده است، اولین استاد دانشگاه نظامیه بغداد است. بعد از وفات ابواسحق شیرازی، کرسی نظامیه بغداد دوباره در اختیار او قرار گرفت. فوت او در جمادی الاولی ۴۷۷ هجری قمری و به روایتی در شعبان همان سال بوده است. برای اخبار بیشتر رک: زبدہ النصره، ص ۷۶؛ سبکی، طبقات الشافعیه، ج ۳، ص ۷۹؛ ابن اثیر، ج ۱۰، ص ۵۲؛ المنتظم، ج ۹، ص ۱۲؛ النجوم الزاهره، ج ۹، ص ۱۱۹.

۳- در مورد این نابغه بزرگ اسلامی همین بس که گفته شود، در روزگاری به حجة الاسلام ملقب گردید که احراز این عنوان بر هر بزرگ و عالمی ممکن نبود، استاد دکنتر عبدالحسین زرین کوب (فرار از مدرسه، چاپ تهران ۱۳۵۳ ش) ایسن (بقیه در صفحه بعد) ←

عالم اسلام بشمار می‌آیند، به تدریس مشغول بوده‌اند. در اینجا بر خود واجب می‌بینم که اشاراتی به زندگی امام الحرمین ابوالمعالی جوینی و شیخ ابواسحق شیرازی دو استاد از دو نظامیه داشته باشم گرچه مراتب علمی و زهد و تقوای آنها بی نیاز توصیف و گفتگوست. امام الحرمین ابوالمعالی جوینی، یکی از فقهای بزرگ شافعی است. در شانزدهم محرم ۴۱۶ هجری^۱، در جوین متولد گردید. در نیشابور در مدرسه بیهقیه از محضر ابوالقاسم الاسکافی بهره‌ها گرفت و در بغداد تحصیلاتش را ادامه داد. او علیه معتزله کاملاً^۲ مشخص است. طرفداری ابوالمعالی جوینی از مذهب شافعی و عقاید ابوالحسن اشعری باعث گردید که او نیز چون قشیری و ابواسحق شیرازی مورد بی مهری خواجه عمیدالملک‌کنندری وزیر سلطان طغرل سلجوقی قرار گیرد و تبعید شود. مدت چهار سال در حرمین شریفین به فتوی و مناظره دست زد و بعد از این است که منابع اسلامی با افتخار از او بعنوان امام الحرمین یاد می‌کنند.

خواجه نظام الملک بعد از رسیدن به مقام صدارت مملکت، جوینی را با حرمت تمام به نیشابور فراخواند و استادی مدرسه نظامیه نیشابور را به وی سپرد. امام الحرمین از سال ۴۵۶ هجری قمری تا هنگام وفاتش در ۲۵ ربیع الثانی ۴۷۸ هجری قمری، به مدت بیست و دو سال عهده‌دار کرسی نظامیه نیشابور بوده است و به نوشته منابع اسلامی در جلسات درسش سیمصد تا چهارصد طلبه شرکت می‌کردند. صاحب تألیفات و تصنیفات بسیار است، چون: *نهایه المطلب فی درایه المذهب*،

چنین وصف او را دارند: در مورد امام محمد غزالی این بس که استادش امام الحرمین ابوالمعالی جوینی او را حرمت عظیم می‌نهاد. چنانکه درباره او و کیا هراس ابوالمظفر خوافی دوتن از شاگردان مشهورش می‌گفت: غزالی دریای بیکران و کیا شیردر آن و خوافی آتش سوزانست.

۱- سبکی، طبقات الشافعیه، ج ۳، ص ۲۵، دهم محرم ۴۱۹ را ذکر

می‌کند.

مفیث الحق فی اختیار الاحق . و نیز رساله‌ای در مورد نظامیه بنام العنقده النظامیه نوشته است . مرگ او فاجعه‌ای برای دنیای اسلام بود.^۱

شیخ جمال الدین ابواسحق شیرازی ، در ۲۱ جمادی الثانی ۳۹۳ هجری قمری در فیروزآباد متولد گردید و در سال ۴۷۶ هجری قمری دارفانی را وداع گفت.^۲ از فقهای بزرگ و مشهور شافعی است . شیخ در شیراز از محضر ابو عبدالله بیضاوی و ابواحمد بن عبدالوهاب بهره‌ها گرفت . در بصره از افاضات علی الجوزی بهره می‌برد . گفته اند برای شنیدن درس ابوطیب الطبری به بغداد عزیمت کرد و در آنجا اقامت نمود . نوشته‌اند ترتیب دهنده ملاقات بین دو صوفی نامدار خراسان ابوعلی دقاق و ابو عبدالرحمن السلمی وی بوده است . در فقه قسدرت و تبحر کم نظیری داشت و در مناظره کمتر کسی توفیق این را می‌یافت . تسابا او پهلوزند.

شیخ ابواسحق در مسجد باب المراتب تدریس می‌کرد ولی زمانی که نظامیه بغداد تأسیس شد از طرف خواجه نظام الملک استادی دانشگاه نظامیه به عهده وی گذاشته شد . ولی در روز افتتاح مدرسه عالی نظامیه در دهم ذی القعدة ۴۵۹ قمری^۳ که در حضور خلیفه عباسی انجام می‌گرفت شیرازی برای تدریس حضور نیافت و در نتیجه وظیفه تدریس بعده ابن صباغ گذاشته شد . خود خواجه نظام الملک هم در روز افتتاح مدرسه حضور نداشت . تدریس ابن صباغ در این مدرسه بیست روز بیشتر طول نکشید . بادرخواست خواجه نظام الملک ، شیخ ابواسحق موافقت

۱- برای اخبار بیشتر رجوع شود: سبکی ، طبقات الشافعیه ، ج ۳ ، ص ۲۵۲- ۲۴۹؛ ابن خلکان وفيات ، ج ۲ ، ص ۳۴۳- ۳۴۱؛ ابن اثیر ، الكامل ، ج ۱۰ ، ص ۱۰۱- ۱۰۲ ؛ المنتظم ، ج ۹ ، ص ۱۸- ۱۹؛ آنسیکلوپدی اسلامی ، ماده جوینی .

۲- در زبده النصره (ص ۸۴) شب یکشنبه ۲۱ جمادی الثانی ۴۷۶ آمده است .

۳- ابن خلکان ، وفيات الاعیان ، ج ۱ ، ص ۵۴۴ .

کرد که در مدرسه نظامیه به تدریس مشغول شود، و تا روز مرگش یا زده سال تمام در آنجا تدریس می فرمود.

با توجه به منابع اسلامی ابواسحق با توفیق تمام اختلافات خواجه نظام الملک و خلیفه عباسی را بهبود بخشید. گذشته از مایه علمی، در زهد و تقوی نیز نام و آوازه یی بلند داشت و مورد عزت و حرمت و محبت بیش از حد مردم بود.

استقبالی که در نواحی مختلف ایران بعمل می آوردند سخت مایه حیرت مولفین اسلامی شده است. روایت شده است که مردم ساوه و قتیسی خبر یافتند که شیخ به شهر آنها می آید، به استقبال او شتافتند و تمام ثروت خود را تقدیم وی کردند جای بسی شگفتی است که ابواسحق از قبول آن خودداری نمود. سلطان ملک شاه سلجوقی و خواجه نظام الملک نیز همیشه وی را حرمت می نهادند. مناظره و مباحثه او با امام الحرمین ابوالمعالی جوینی درباره نماز در حضور خواجه نظام الملک که یک ماه تمام بطول انجامید، از غرایب تاریخ است.^۱

۱- بنداری اصفهانی (زبده النصره و نخبه العصره، ترجمه محمد حسین جلیلی، چاپ تهران ۱۳۵۶ ش، ص ۸۴) می نویسد: شیخ ابواسحق به خراسان رسید و با امام ابوالمعالی جوینی مناظره و مباحثه کرد. از بزرگان شاگردان شیخ شاشی و ابن قنن و طبری همراه شیخ بودند. همچنین جمال الدوله عقیف خادم با این جماعت بود. شیخ ابواسحق به بغداد بازگشت در حالی که قلبهای مردم تشنه دیدارش بودند و چشمها از دوری او وحشت زده می نمودند. استاد عبدالحسین زرین کوب (فرار از مدرسه، ص ۳۱) نیز به این مساله اشاره مناسب دارند: ابواسحق شیرازی استاد نظامیه بغداد وقتی بعنوان فرستاده خلیفه مقتدی بالله - به خراسان آمد در بیرون نیشابور امام الحرمین وی را پیشوا ز کرد، غاشیه مرکبش را بردوش کشید و مثل یک چاکر پیشاپیش وی حرکت می کرد. با وی نیز در محضر وزیر نظام الملک بمناظره نشست. اما این مناظره در حقیقت بقصد آن بود که طالب علمان نیشابور فرصتی یافته باشند

شیخ ابواسحق در جمادی الثانی ۴۷۶ درگذشت. او را در باب الابرز دفن کردند و مدرسه عالی نظامیه بغداد سه روز تمام عزاداری نمود. ابن اثیری می گوید: مراسم نماز دفن در مسجد جامع القصر از طرف خلیفه عباسی انجام گرفت.^۱

← برای استفاده از امام ابواسحق .

- ۱- ابن اثیر، الكامل، ج ۱۰، ص ۴۷ و ۴۸؛ برای اخبار بیشتر ر.ک: زبده النصره، ص ۳۲ و ۷۵؛ اخبارالدوله السلجوقیه، ص ۴۷؛ سبکی، طبقات الشافعیه، ج ۳، ص ۸۸؛ ابن خلکان، ج ۱، ص ۸-۶؛ شیرازنامه، ص ۱۰۷.

منابع و مآخذ :

- ۱- ابن اثیر (ابوالحسن عزالدین بن محمدالجزری): الکامل فی التاریخ چاپ مصر ۱۲۹۰ ق.
- ۲- ابن الجوزی (ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بکری صدیقی): المنتظم فی تاریخ الملوک والامم چاپ حیدرآباد ۱۳۵۹ ق.
- ۳- ابن تغری بردی (جمال الدین ابوالمحاسن یوسف اتابکی) : النجوم الزاهره فی ملوک مصر والقاهره چاپ قاهره ۱۹۳۵ م.
- ۴- ابن حسول : تفضیل الاتراک (ترجمه ونشر، شرف الدین یالتقیه ، بلتن ۱۵- ۱۴، ۱۹۴۰ م.)
- ۵- ابن خلکان (شمس الدین ابوالعباس قاضی احمد بن محمد) : وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان چاپ مصر، ۱۲۹۹ ق .
- ۶- ابن زرکوب شیرزای (ابوالعباس احمد): شیرازنامه (نشر بهمنن کریمی ، چاپ تهران ۱۳۱۰ ش)
- ۷- بنداری اصفهانی : زبده النصره ونخبه العصره ، چاپ مصر ۱۹۰۰ م . ترجمه فارسی : تاریخ سلسله سلجوقی ، ترجمه محمدحسین جلیلی ، تهران ۱۳۵۶ ش .)
- ۸- تاج الدین ابونمرسبکی (عبدالوهاب بن علی) : طبقات الشافعیه الکبری، جلد سوم، چاپ مصر ۱۲۹۹ ق.
- ۹- خواندمیر (غیاث الدین بن همام الدین) : دستورالوزراء (نشر سعید نفیسی ، چاپ تهران ۱۳۱۷ ش .)
- ۱۰- زیدان (جرجی) : تاریخ تمدن اسلامی ، چاپ بیروت ۱۹۶۷ م.
- ۱۱- صدرالدین الحسینی (ابوالحسن علی بن ناصر بن علی) : اخبارالدوله السلجوقیه (نشر محمد اقبال ، چاپ لاهور، ۱۹۳۳ م .)
- ۱۲- دکتر عبدالحسین زرین کوب : فرار از مدرسه ، چاپ تهران ۱۳۵۳ ش.

- ۱۳- پروفیسور عبدالرزاق کانپوری : زندگانی خواجہ بزرگ حسن نظام الملک، ترجمہ سید مصطفی طباطبائی، چاپ تهران ۱۳۵۰ ش.
- ۱۴- و. و. بارتولد : ترکستان نامہ، ترجمہ کریم کشاورز، چاپ تهران ۱۳۶۶ ش.
- ۱۵- پروفیسور ہامرپور گشتال : تاریخ امپراطوری عثمانی (ترجمہ میرزا زکی علی آبادی، چاپ تہران ۱۳۶۷ ش.
- ۱۶- ہندو شاہ نخبوانی (ہندو شاہ بن سنجر بن عبداللہ صاحبی) : تجارب السلف، تصحیح مرحوم عباس اقبال، چاپ تہران ۱۳۴۴ ش.